



## درس فارغ اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نواهی  
موضوع جزئی: تفاوت امر و نهی در کیفیت امتثال - قول دوم و بررسی آن  
تاریخ: ۱۳/ آبان/ ۱۳۹۸  
مصادف با: ۶ ربیع الاول ۱۴۴۱  
جلسه: ۱۶  
سال یازدهم

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

#### خلاصه جلسه گذشته

عرض کردیم در مورد فرق بین اینکه امتثال امر به اتیان به یک فرد از مأموریه محقق می شود و امتثال نهی به ترک جمیع افراد منهی عنه محقق می شود، چند احتمال یا چند قول وجود دارد.

قول اول اینکه تفاوت به دلیل وضع واضح باشد. یعنی واضح این طور وضع کرده است که اگر یک فرد از طبیعت مأموریه اتیان شود امر امتثال شده است و اگر همه افراد منهی عنه ترک شوند نهی امتثال شده است. عرض کردیم این احتمال باطل است و آن را رد کردیم.

#### قول دوم (حکم عقل)

احتمالی که محقق خراسانی آن را قبول کردند این است که این تفاوت به خاطر حکم عقل است، عقل می گوید: «الطبیعة توجد بوجود فرد ما و لا تنعدم الا بانعدام جمیع الافراد» چون عقل چنین درکی دارد نتیجه اش این است که در مورد امر ما می بینیم با اتیان به یک فرد از طبیعت، امتثال محقق می شود اما در مورد نهی باید، همه افراد منهی عنه ترک شوند تا نهی امتثال شود.

#### بررسی قول دوم

عرض شد محقق اصفهانی به این سخن محقق خراسانی اشکال کرده<sup>۱</sup> و امام خمینی هم آن را بیان دیگری پذیرفته است<sup>۲</sup>. به عنوان مقدمه باید دو مطلب را ذکر کنیم که از ضمیمه این دو مطلب بطلان این احتمال روشن می شود.

**مطلب اول:** هر طبیعتی که در قالب یک فرد یا مصداق تحقق پیدا می کند، آن فرد در واقع تمام آن طبیعت محسوب می شود. شما طبیعت انسان را در نظر بگیرید «طبیعة الانسان» و ماهیت انسان یک جنس دارد و یک فصل «حیوان ناطق»؛ اگر یک فرد از این طبیعت و ماهیت در خارج محقق شود می توانیم بگوییم طبیعت انسان محقق شده است زیرا این فرد تمام طبیعت و ماهیت محسوب می شود، اگر زید در جایی به عنوان فردی از طبیعت انسان محقق شد این فرد در حقیقت نماینده و ممثل تمام طبیعت انسان است. پس هر فردی نسبت به طبیعت، تمام آن طبیعت و تمام آن ماهیت است، زیرا چیزی کم ندارد، همه عناصر تشکیل دهنده آن طبیعت در این فرد موجود وجود دارد، عناصر یعنی جنس و فصل، (البته عوارض مشخصه ربطی به ماهیت و طبیعت ندارد، مثل اینکه در کجا متولد شده و فرزند چه کسی است و رنگ پوستش چیست در خود ماهیت و طبیعت دخیل نیست) شما وقتی می گوید: زید و عمر دو فرد از آن طبیعت هستند یعنی در واقع دو انسان هستند، آیا می توانید بگویید این ها دو انسان نیستند؟ اگر ده مصداق محقق

<sup>۱</sup> نهایة الدرایه، ج ۱، ص ۲۶۰ (چاپ قدیم)

<sup>۲</sup> مناہج الوصول، ج ۲، ص ۹۰ - ۹۱.

شود شما می‌گویید: ده انسان بوجود آمده است، پس نسبت افراد به طبایع نسبت اجزاء به کل نیست بلکه نسبت فرد است به کلی، این‌ها فرد و مصداق کلی هستند.

پس مطلب اول این شد که هر مصداقی از طبیعت در واقع تمام آن طبیعت محسوب می‌شود، ممثل و نماینده تام آن طبیعت است و تمام آن طبیعت و ماهیت کانه در این وجود متجلی شده است.

**مطلب دوم:** وقتی از وجود و عدم به عنوان دو امر متناقض سخن می‌گوییم در واقع نقیض وجود شیء واحد، عدم شیء واحد است. نقیض وجود شیء دارای تکثر، عدم همان شیء دارای تکثر است. به عبارت دیگر وحدت و کثرت در طرفین نقیض باید حفظ شود، اگر ما وجود زید را در نظر می‌گیریم نقیضش می‌شود عدم زید، نقیض وجود زید به عنوان یک واحد عدم زید است به عنوان واحد، نمی‌شود در وجود زید وحدت لحاظ شود اما وقتی نوبت به عدم می‌رسد در آن تکثر لحاظ شود، این هم یک امر روشنی است. پس دو مقدمه عبارتند از اینکه: اول: هر فردی از افراد طبیعت در واقع تمام آن طبیعت است. دوم: اگر وجود یک فرد را در نظر بگیریم نقیضش هم عدم همان فرد است نه عدم افراد متعدد.

**نتیجه:** از ضمیمه این دو نتیجه می‌گیریم که اگر فردی از افراد طبیعت در جایی تحقق پیدا کند، مثلاً در این اتاق فردی به نام زید وارد شد، این یک فرد از طبیعت انسان است که در این اتاق موجود شده است. وقتی می‌گوییم: زید موجود شد معنایش این است که انسان موجود شده است، این ماهیت و طبیعت موجود شده است، اگر فرد دومی وارد این اتاق شود مثل عمر می‌گوییم: انسان دیگری در این اتاق تحقق پیدا کرده است و همین‌طور فرد سوم و چهارم، در ناحیه وجود حرفی نیست و به اعتبار هر فرد می‌گوییم طبیعت موجود می‌شود، یعنی «الطبیعة توجد بوجود فرد ما» این بخش را قبول داریم.

آقایان می‌گویند: عقل حکم می‌کند «الطبیعة توجد بوجود فرد ما» این درست است، در ناحیه وجود همین‌طور است، هر فردی که از یک طبیعت موجود شود، در حقیقت آن طبیعت است که موجود شده است، لذا اگر افراد متعدد از این طبیعت موجود شدند می‌توانیم بگوییم: این طبیعت دارای وجودات متعدد شده است، به اعتبار هر فرد این طبیعت محقق شده است.

اما در ناحیه عدم چگونه؟ آقایان می‌گویند: «الطبیعة لاتتعدم الا بانعدام جميع الافراد» آیا این چنین است؟

اگر در ناحیه وجود طبیعت شما ملتزم می‌شوید به اینکه با تحقق یک فرد، طبیعت موجود می‌شود، با انعدام یک فرد نیز باید طبیعت معدوم شود. بالاخره زید از این اتاق بیرون رفت، شما می‌توانید بگویید انسان رفت یا خیر؟ پس طبیعت به انعدام یک فرد نیز معدوم می‌شود. چرا در ناحیه عدم با انعدام یک فرد می‌گویید: طبیعت معدوم نمی‌شود، همه حرف اینجاست «الطبیعة توجد بوجود فرد ما» زید که وارد اتاق می‌شود، شما می‌گویید: انسان آمد، عمر که وارد اتاق شد می‌گویید: انسان دیگری آمد، لذا ده نفر آدم در این اتاق بیاید، می‌گوییم ده انسان وارد شدند چون این طبیعت به خاطر افراد متعدد، وجودات متعدد پیدا کرده است، حال اگر یکی یکی از اتاق بیرون بروند، نفر اول که بیرون برود می‌گویید: زید رفت، حال اگر بگوییم انسان رفت آیا غلط است؟ خیر، اگر نفر دوم برود شما بگویید انسان رفت اینکه به جای زید رفت، می‌گویید: انسان رفت، معنایش این است که «الطبیعة تنعدم بانعدام فرد ما» طبیعت را به اعتبار همان فردی که از آن معدوم شده، شما می‌گویید: معدوم شده است چه فرقی است در ناحیه عدم با ناحیه وجود؟

اگر در ناحیه وجود شما وحدت را لحاظ می کنید در ناحیه عدم نیز باید وحدت را لحاظ کنید، اگر در ناحیه وجود، تكثر را لحاظ می کنید، در ناحیه عدم نیز باید تكثر را لحاظ کنید، چرا می گوئید: «الطبیعة لاتتعدم الا بانعدام جمیع الافراد» می گوئیم: با منتفی شدن و معدوم شدن زید باید بتوانیم بگوئیم انسان معدوم شده است.

پس اینکه می گویند: عقل چنین حکمی دارد، ملاحظه کردید که عقل چنین حکمی ندارد، همانطوری که «الطبیعة توجد بوجود فرد ما» «الطبیعة تتعدم بانعدام فرد ما» منتهی به اعتبار آن فرد.

## اشکال

ممکن است اشکال یا توهمی به ذهن برسد و آن اینکه چطور می شود یک طبیعت متصف به متناقضین شود؟ یعنی در آن واحد بگوئید: انسان وجود دارد و انسان وجود ندارد. نتیجه این سخن که «الطبیعة تتعدم بانعدام فرد ما» این می شود که طبیعت را در آن واحد هم متصف به وجود کنیم و هم متصف به عدم و هو باطل.

فرض کنید دو نفر وارد اتاق شدند و یکی بیرون رفت آیا می توانیم بگوئیم انسان وجود دارد و انسان وجود ندارد؟ لازمه حرف شما این است وقتی زید بیرون رود طبیعت انسان به اعتبار زید معدوم شده است ولی عمر که در اتاق است، پس طبیعت انسان به اعتبار عمر وجود دارد، پس باید بتوانیم بگوئیم انسان وجود دارد و انسان وجود ندارد درحالی که این سخن محال است زیرا یک طبیعت نمی تواند هم متصف به وجود شود و هم عدم و این نشان می دهد که همان حرف محقق خراسانی درست است که عقلا «الطبیعة تتعدم بانعدام جمیع الافراد» تا زمانی که یک فرد وجود دارد شما نمی توانید بگوئید انسان نیست، تنها وقتی می توانیم بگوئیم طبیعت انسان نیست که هیچ فردی موجود نباشد.

این اشکالی است که در دفاع از ادعا و فرمایش محقق خراسانی و حکم عقل که «الطبیعة تتعدم بانعدام جمیع الافراد»، مطرح است.

## روز ملی مبارزه با استکبار

در سیزده آبان حوادث متعددی اتفاق افتاد، ولی مسئله این است که این روز به عنوان روزی نمادین برای مبارزه با استکبار جهانی معرفی شده است. این مناسبت بسیار مهمی است، اما مبارزه با استکبار باید همه جانبه و فراتر از شعار و تبلیغات باشد یعنی باید در متن اجرایی و تقنینی و قضایی کشور جریان پیدا کند و مردم با ضرورت این امر آشنا شوند. این خیلی مهم است که تنگناها و فشارها و مشکلاتی که مردم دارند، خدای نکرده آن ها را به جایی برساند که به این موضوعات چندان نیندیشند، گرفتاری ها و مشکلات و سختی ها یا خدای نکرده تبعیض و بی عدالتی آن ها را نسبت به این موضوع بی انگیزه کند. ایستادگی و مبارزه در برابر استکبار یک منطق قرآنی است. تجربه های تاریخی بشر در دوران های گذشته و حتی در تاریخ معاصر همه گواه بر این است که اگر ایستادگی و مقاومت و مبارزه با زورگویی و تحمیل و فشار از ناحیه اجانب و دشمنان صورت نگیرد عاقبت خوشی برای هیچ ملتی نداشته و نخواهد داشت. البته سختی ها و مشکلات نیز وجود دارند ولی تا جایی که می شود باید با برنامه ریزی و تدبیر انشاء الله این مشکلات را کم شود. امروز دنیای استکبار یکپارچه علیه ملت اسلامی و علیه پیروان مذهب اهل بیت (ع) متحدند و تمام توانشان را به کار می گیرند، لازمه موفقیت در مبارزه با امریکا و همه متحدانش این است که واقعا در داخل امت اسلامی به صورت عام و در ایران بین ملت ایران وحدت و یکپارچگی باشد و تدبیر برنامه ریزی صورت بگیرد و انشاء الله بتوانیم ایران و مکتب اهل بیت را در این مواجهه سربلند بیرون ببریم.

به هر حال واقعه‌ش این است که خصلت و خوی دشمنان و دشمنی آن‌ها همیشه اقتضاء می‌کند که با فریب کاری اهداف و مقاصد خودشان را پیش ببرند، رهبر معظم انقلاب نیز این همه روی مسئله مقاومت تأکید می‌کند، برای این است که واقعا علی‌رغم شعارهای ظاهری و فریب کارانه آنها اگر بخواهد تسلیم و سازش صورت بگیرد چیزی عائد ملت نمی‌شود، این را باید همه مورد توجه قرار دهیم و انشاءالله متحد با صفوف فشرده و انشاءالله با امید به آینده روشن و بهتر برای تحقق اهداف مکتب اهل بیت تلاش کنیم. انشاءالله با ظهور امام زمان همه این مشکلات برطرف شود.

«والحمد لله رب العالمین»